

## فابل در ادبیات فارسی

(قسمت چهاردهم)

### فابل در ادبیات روسی

**شرح حال کریلوف:** در شرح حالش نوشته‌اند که سه‌ساله بود که پدر و مادرش بمناسبت اغتشاشات سیاسی که در محل اقامتشان رخ داد به مسافرت و نقل مکان مجبور گردیدند و در راه چون با گروهی از راهزنان مواجه گردیدند، مادر کریلوف برای نجات فرزندش او را در يك كوزه گلی پنهان داشت تا مبدا خطری متوجه او گردد. اخلاق و زندگانی کریلوف با اخلاق و زندگانی لافونتون شباهت بسیار می‌داشته است. اهل فکر و حال بود و بزندگانگی پر - در دسر و باقیل و قال مدارس و محافل طبعاً شوق و رغبتی نداشت. مرد فربه و خوش سیمانی بود و هرگاه عکس او را می‌بینم و شرح احوالش را می‌خوانم بلا اختیار چهره محبوب سیداشرف - الدین صاحب نسیم شمال در نظرم مجسم می‌گردد که چند بار در رشت و در منزل شادروان سپهداد دشتی از فیوضات محضر شریفش که در آنجا عموماً بوی دلپسند افیون بدماغ می‌خورد برخوردار شده بودم. طبعاً به آنچه مربوط با ادبیات است علاقه خاصی داشت و میتوان گفت اهل قلم و قرطاس بود و با شکم گرسنه دل را بسياه ساختن اوراق خوش میداشت. چند نمایشنامه کوتاه و دراز نوشت که غنچی بدنها نزد و کیسه‌اش همچنان خالی ماند. نوشته‌اند که در آغاز امر، هنگامیکه هنوز شانزده‌سالگی بیشتر از عمرش نگذشته بود «اپرائی» نوشت در سه صحنه (به نثر) که «فالگیر با قهوه»<sup>۱</sup> عنوان داشت و کتابفروشی آنرا بقیمت

\* آقای استاد سید محمدعلی جمالزاده از نویسندگان دانشمندی و صاحب‌نظر معاصر.

شصت منات که برای او گنج بادآوری بود از او خرید<sup>۲</sup> و چون این مژده را بمادرش برد برای آنان صورت جشنی بمیان آمد ولی افسوس که کتابفروش هرگز بطبع آن «اپرا» اقدام نمود و هنگامی که سی سال پس از آن تاریخ کریلوف روزی اتفاقاً بدکان آن کتابفروش رفت اطلاع یافت که نوشته‌اش بچاپ نرسیده موجود است و چون در آن موقع کریلوف شهرت بسیار حاصل نموده و کاملاً سرشناس شده بود کتابفروش نسخه «اپرا» را برسم یادبود باو مسترد داشت و کریلوف از مشاهده «شاهکار» جوانی خود بغایت مشغوف گردید ولی دستگیرش شد که بسیار کار و کوشش و تمرین و خون دل لازم است تا پخته شود خامی.

از جمله نمایشنامه‌هایی که در طی سالیان بسیار نوشت و بعضی از آنها را بنمایش هم درآوردند نمایشنامه‌ای بود بصورت «کمدی» که «مغازمه‌ها» عنوان داشت و نوشته‌اند که در ادبیات روسیه مورد توجه است.

نمایشنامه دیگری هم نوشت که «تنبل» عنوان دارد و داستانی دارد که بحکایت کردن میارزد. نوشته‌اند که با آن نمایشنامه به مجلس يك تن از اعیان که ادعای ادب‌پروری داشت رفت و نمایشنامه را برای حضار خواند و برایش دست زدند و تشویقش کردند که البته باید در تأثر بروی صحنه بیاورند ولی چون بالطبع مسامحه کار و سربوها بود وقتی از منزل آن مرد معتبر بیرون میرفت طومار نمایشنامه را در اطاق خدمه فراموش نمود و همانجا ماند و وقتی بدانجا مراجعت نمود و مطالبه نمود باو گفتند که طومار لکه‌دار و کثیفی پیدا کرده بودند و پاره کرده و شمع در آن پیچیده بودند. و بدین ترتیب باز یکی از شاهکارهای کریلوف راه علم در بیش گرفت.

باید دانست که کریلوف اولین نویسنده روسی نیست که رفته رفته در چهل سالگی رغبتی بسراپیدن «فابل» در خود احساس نمود. پیش از او هم، کسانی مانند سومادکوف و شمینی‌ستر و دمی‌تری‌یف<sup>۲</sup> با فابل سازی نام و شهرتی حاصل کرده بودند ولی وقتی کریلوف بعنوان فابل ساز ظهور کرد دیگران تحت الشعاع واقع گردیدند.

کریلوف در سال ۱۸۰۵ در مسکو از نو بمطالعه فابل‌های فابل ساز مشهور فرانسوی پرداخت و بفکر افتاد که چند فقره از فابل‌های شاعر فابل ساز فرانسوی را بزبان روسی بترجمه برساند. رفته رفته چندتا از آن فابل‌ها را بترجمه و چاپ رسانید و مورد توجه واقع گردید بطوریکه حتی دمی‌تری‌یف که او نیز فابل ساز و در واقع رقیب کریلوف بود تشویق او را وظیفه خود شمرد و باو نوشت: «استعداد واقعی شما در این کار است و هنر شما راه حقیقی خود را اکنون یافته است.» از آن پس کریلوف فابل نوشتن را پیشه اساسی خود قرار داد و طولی نکشید که صیت شهرت او در سرتا سر روسیه پیچید. در این فابل‌های تازه، کمترین اثری از تقلید و تأسی بدیگران و مخصوصاً فابل ساز مشهور فرانسوی دیده نمیشد و در حقیقت نوشتند که

«کریلوف در عالم فابل‌سازی با پر وبال خود در پرواز است.»

ترجمه‌های کریلوف هم مانند ترجمهٔ رباعیات خیام از جانب فیتزجرالد شاعر انگلیسی و «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» از جانب شادروان میرزا حبیب اصفهانی با چنان مهارتی توأم بود که آن‌نیز قابل توجه است. کریلوف بزبان عامهٔ مردم و هم‌وطنانش بسیار علاقمند بود و نوشته‌اند که چه بسا در کوچه‌ها و خیابانها خود را در میان جمع مردم میانداخت تا با زبان و اصطلاحات و مثلها و متلکها و حتی دشنامهای آنها آشنا شود و باز نوشته‌اند که چه بسا پنجره اطاق خود را باز میگذاشت و از همانجا به تماشای آینده و رونده در کوچه و خیابان سرگرم میگردد تا با زبان مردم بیشتر آشنا شود.

### مقام کریلوف:

کار بجائی رسید که نقادان مشهور با صلاحیت نوشتند که کریلوف همان کاری را در روسیه و برای هموطنانش انجام داده است که لافونتن برای فرانسه و فرانسویان انجام داده بود.

در کتابی که مأخذ من برای تهیه این مقاله است و بقلم يك تن از روس شناسان نامدار فرانسوی تألیف یافته است (شرح آن در صفحات قبل مذکور افتاده است) چنین میخوانیم: «کریلوف چنان خود را با زبان و نبوغ ملتش نزدیک ساخت که ملی‌ترین نویسندهٔ کشور خود و بااصالت‌ترین (اوری زی نال) و حتی میتوان بجرأت گفت که تنها نویسندهٔ اصیل روسیه است. ۴. درمقایسه بین کریلوف روسی و لافونتن فرانسوی که ۱۵۰ سالی قبل از درگذشت کریلوف وفات نموده است سخن بسیار رفته است و حرفی نیست که لافونتن اگر از لحاظ ایجاز و لطف کلام و ملاحظت ترجیحی بر کریلوف داشته باشد ولی چون بسیاری از فابل‌های خود را از فابل‌سازهای قدیم و از آن جمله فابل‌های ازوپوس یونانی و بیدپای (کلبله و دهنه) و احیاناً از لقمان حکیم گرفته است در صورتیکه کریلوف عموماً مالک طلق فابل‌های خویش بشمار میرود و از کس عاریت نگرفته است و آنچه در فابل‌های خود آورده نتیجهٔ ملاحظات و مشاهدات و استنباطات خود از اخلاق و اطوار و عقاید هموطنانش است از اینرو واقعاً نباید برای او مقام مخصوصی قایل گردید و ما ایرانیان هم باید آرزومند باشیم که فابل‌نویسی مانند او پیدا کنیم که تنها (و یا بیشتر) بهمین سمت فابل‌سازی معروف باشد و آنچه را از فابل‌های بیگانگان و مخصوصاً فرنگیها خوانده است و در نظر دارد فراموش نساید و فابل‌هایی بسازد که ظاهراً و باطناً تا آنجائی که امکان پذیر است ایرانی باشد و برگنجینهٔ گرانهای آن همه فابل‌های مفرقه که در تحت عنوان امثال و حکم و قصه و تمثیل و حکایت و عناوین دیگر داریم افزوده گردد.

بارۀ مقایسه بین لافونتن و کریلوف مقاله مفصل بسیار محققانه‌ای بقلم روس شناس فرانسوی لاپریدول<sup>۵</sup> انتشار یافته است که حق مطلب را ادا کرده است و با آنچه مشهور شده است تفاوت‌هایی دارد. سابقاً بعضی از اهل قلم روسیه کریلوف را حتی از لافونتن هم بزرگتر خوانده بودند ولی کم‌کم تعدیلی در این نظر بعمل چنانکه مثلاً ادیب صاحب نظر و منتقد مشهور روسی در سال ۱۸۴۵ میلادی در مقاله‌اش که بغایت مشهور گردید خلاصه نظر خود را درباره کریلوف چنین بیان نمود: «فابل‌های کریلوف فابل‌هایی هستند روسی و نباید آنها را نه ترجمه دانست و نه تقلید.» آنگاه همین منتقد عالی‌مقام می‌افزاید که «نه این است که کریلوف هیچگاه لافونتن را ترجمه و یا تقلید نکرده باشد اما حتی در همین کار ترجمه و تقلید هم نمیتوانست و نمیدانست که کاملاً کاری اصیل را انجام میدهد که بکلی روسی است.» حقیقت هم همین است که چنانکه معروف است ادبیات روسیه در حوالی سال ۱۸۴۰ میلادی خود را از نفوذ بیگانه مستقل ساخت و توانست با ثبات برساند که بعد رشد و بلوغ رسیده و دارای شخصیت مخصوص گردیده است.

#### ۱- Cafeinitza (فال قهوه)

۲- نوشته‌اند که در ازای قیمت چند کتاب فرانسوی از کتابفروش خرید که از آن جمله بود آثار نمایشنامه نویسه‌های معروف فرانسوی از قبیل راسین و مولییر.

#### ۳- Dmitrieff – Chemnister – Soumarokoff

۴- این کتاب در سال ۱۸۵۲ میلادی یعنی قبل از ظهور نویسندگان بسیار مشهور روس مانند تولستوی و داستایوسکی نوشته شده است.

۵- F. de Labriolle، «کریلوف و لافونتن» در مجله فرانسوی «ادبیات مقیاسی» Revue de la Littérature Comparée در شماره‌های ماههای ژانویه تا مارس سال ۱۹۶۶ (صفحات ۹۱ - ۱۰۹) چاپ رسیده است.

### خوی بد و خوب

با خصال بد، نیرزد يك تسو  
چون بود خلقش تکو، در پاش میر

پس بدان که صورت خوب نکو  
ور بود صورت حقیر و ناپذیر

مولانا محمد بلخی قرن هشتم